



مقدمه:

یکی از مسائل مهم در خانواده «توزیع ساختار قدرت و مدیریت» است. خانواده، کانونی است که در آن چگونگی توزیع و نحوه اعمال قدرت در شکل گیری و رشد شخصیت فردی و اجتماعی فرزندان و نیز در احساس رضایت از زندگی و خوشبختی آنان اثر می گذارد. برخی پژوهشها^۱ نشان می دهد که در ۴۰ درصد از خانواده های تحت مشاوره که خانواده های «مرزی» نامیده می شوند، مبارزه قدرت وجود دارد. به این جهت، ساختار قدرت و مدیریت کارآمد در خانواده و آموزش صحیح آن در استحکام و بالندگی خانواده نقشی اساسی خواهد داشت.

خانواده جامعه کوچکی است. از آموزه های قرآن و روایات برمی آید، همانطور که جامعه به حکومت و مدیریت

نیاز دارد، خانواده نیز بی نیاز از حاکمیت و ولایت نیست و در اسلام، این مهم (غالباً) به پدر خانواده واگذار شده است؛ اما پدرسالاری مطلق، مادرسالاری بی ضابطه و نیز فرزندسالاری بی مهار مورد پذیرش و توصیه اسلام نمی باشد؛ بلکه قرآن و حدیث، کارآمدی خانواده را در گرو ولایت و مدیریت پدر مقتدر صالح و نیز پیروی سایر اعضای خانواده از وی می داند.

مبارزه قدرت در خانواده؛ سوغات غرب

آنچه امروزه در میان برخی از خانواده ها مشاهده می شود، مبارزه و مسابقه نفس گیر تصاحب قدرت در کانون خانواده است که سوغات زندگی صنعتی و سبک زندگی غربی بوده، با هدف فروپاشی خانواده، زنان و شوهران را به این عرصه کشانده است، به گونه ای که هریک از زن و شوهر می کوشد با استبداد رأی و تحکم، اقتدار خود را به رخ دیگری بکشد. همین مسئله موجب ناسازگاریها و تنشهای بیهوده و دامنه دار در خانواده گردیده، نتیجه اش

۱. بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، فاطمه سعیدیان، دانشگاه تربیت معلم، تهران، ۱۳۸۲ش.



تربیت ناشایست فرزندان، ظهور مشکلات اخلاقی و در نهایت، خطر جدایی والدین از یکدیگر شده است.

وضعیت یاد شده در دنیای امروز شرایطی را به وجود آورده است که برای مهار زن و شوهر در خانواده، رفته رفته قوانین، جای اخلاق را می‌گیرد و در پی آن، هرچه انسان قانون می‌نویسد، حق به شمار می‌آید و آنچه دین و اخلاق می‌گوید، بی‌ارزش و فاقد اهمیت تلقی می‌گردد؛ چراکه در اندیشه غربی همه چیز بر مدار لذت و منفعت فردی می‌چرخد و تمام رفتارهای صادقانه و خیرخواهانه، سرکوب و تمسخر می‌شوند و آنچه معیار زندگی جمعی قرار می‌گیرد، قرارداد به جای اصول اخلاقی است. روابط جنسی، تجاری و اجتماعی افراد از معیارهای اخلاقی تهی و با ضوابط قانونی پر می‌شود و به نظر می‌رسد به زودی با دور شدن از دین و آموزه‌های الهی، مدیریت فاشیستی^۱ به شکل دموکراسی به کانون خانواده راه یابد و بنیان خانواده را یکباره متزلزل و نابود سازد،^۲ در صورتی که از نگاه ادیان آسمانی، به ویژه آیین نجات‌بخش اسلام، خانواده

بسان سازمان اخلاق، مهد بالندگی و کانون رشد و تعالی است و باید میدان شکوفایی استعدادهای خدادادی باشد تا از این مسیر، هر یک از والدین و فرزندان به کمال انسانی و اخلاقی خود نایل شوند، نه آنکه پیوسته بر سر رسیدن به قدرت و حکومت در خانواده به نزاع پردازند! با کمال تأسف امروزه شاهد اینگونه مشاجرات و دعوها در برخی از خانواده‌ها می‌باشیم.

ساختار قدرت در خانواده

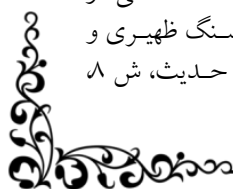
منظور از «ساختار قدرت در خانواده»، الگوهای تصمیم‌گیری زن و شوهر در هزینه‌ها، خرید امکانات، تربیت فرزندان و غیره است^۳ که این ساختار در جامعه‌شناسی خانواده به طور کلی به دو دسته «اقتدار گرایانه» و «دموکراتیک» تقسیم می‌شود. تصمیم‌گیریهای اقتدارگرایانه به حاکمیت و محوریت یک نفر به عنوان رئیس یا ارشد در اخذ تصمیمات دلالت می‌کند که با زور و تحمیل نظرات همراه است و تصمیم‌گیریهای دموکراتیک به مشارکت و حضور فعال اعضای خانواده در فرایند تصمیمها اشاره دارد؛^۴ لیکن آنچه در قرآن و

۳. رابطه ساختار قدرت در خانواده با هوش هیجانی زنان، سید منور یزدی و فاطمه حسینی حسین آبادی، مطالعات جوانان، ش ۱۲، بهار ۱۳۸۷ش، صص ۱۵۷ - ۱۷۰.

۴. مدیریت خانواده در نظریه‌های جامعه‌شناسی در مقایسه با نظریه علامه طباطبائی^{رحمه‌الله}، هوشنگ ظهیری و سروش فتحی، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ش ۸، زمستان ۱۳۸۹ش، صص ۹۹ - ۱۲۰.

۱. فاشیسم؛ نام عمومی برای هر رژیمی است که اساس آن بر دیکتاتوری، ترور، تعصبات نژادی، سانسور، اختناق و... استوار باشد. (فرهنگ فارسی معین، واژه فاشیسم).

۲. برای کسب اطلاعات بیش‌تر ر.ک: جنگ عیه خانواده، ویلیام گاردنر، برگردان و تلخیص: معصومه محمدی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم، زمستان ۱۳۸۷ش، ص ۳۴۳.





حدیث درباره سلسله مراتب و ساختار قدرت در خانواده وجود دارد، چیزی غیر از مدل‌های یاد شده است؛ یعنی در خانواده اسلامی، مدیر نه اهل استبداد و زورگویی است و نه به تمام معنا تابع نظرات اعضای خانواده؛ بلکه در کنار همفکری با اهل خانواده در چالشها، حق ولایت و اعمال قدرت در اختلافها و تصمیم نهایی با اوست، البته پدر باید در مدیریت خود از اصول «معاشرت معروف»^۱، «عدالت»^۲ و «مشورت»^۳ پیروی کند تا زمینه استبداد و اجرای قوانین خودساخته از سوی وی برچیده شود و آرامش و سلامت بر محیط خانواده حاکم گردد.

بر همین اساس، امام خمینی (قده) به صراحت می‌فرماید: «اگر مردی با زن خویش بدرفتاری کرد، در حکومت اسلام او را منع می‌کنند؛ اگر قبول نکرد، تعزیر می‌کنند و اگر قبول نکرد، مجتهد، زن وی

۱. «وَ عَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»؛ «و با آنان به نیکی معاشرت کنید، و اگر از آنها کراهت دارید (باز هم با آنان بسازید؛ زیرا) بسا هست که شما چیزی را مکروه دارید و خدا در آن خیر فراوانی قرار می‌دهد.» نساء/ ۱۹.
۲. «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاجِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا»؛ «و اگر بترسید از اینکه مبادا عدالت نورزید، پس به یک زن یا کنیزی که خریده‌اید، اکتفاء کنید. این کار نزدیک‌تر است به آنکه منحرف نشوید و ستم نکنید.» نساء/ ۳.
۳. «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا»؛ «حال اگر پدر و مادر بخواهند روی توافق و مشورتشان (فرزند را قبل از موعد مقرر) از شیر بگیرند، بر آنها گناهی نیست.» بقره/ ۲۳۳.

را طلاق می‌دهد»^۴

افزون بر موارد مزبور، اسلام کوشیده است از طریق تلفیق قدرت با ویژگیهای اخلاقی همچون فروتنی، مهرورزی و گذشت، رابطه زن و شوهر را تا جایی که امکان دارد، تلطیف نموده، از تبدیل شدن آن به رابطه‌ای زورمندانه جلوگیری کند.^۵

خاستگاه نیاز به مدیریت در خانواده

از آنجا که «خانواده، نهادی اخلاقی و سازمانی طبیعی جهت تعالی و کمال انسان»^۶ است، نمی‌شود بدون مدیر و سرپرست باشد؛ چون نهاد خانواده مانند تمام نهادهایی که روابط انسانی بر آن حاکم است، نیازمند الگویی برای تنظیم روابط است و بدون وجود یک نظام مشخص راهبری، تأمین اهداف و مصالح زناشویی و تربیت فرزند غیرممکن می‌نماید.

از طرف دیگر، وجود چالشهای پیش روی خانواده‌ها در عرصه‌های گوناگون زندگی ایجاب می‌کند که مرکزیتی برای تصمیم‌گیریها در خانواده در نظر گرفته شود تا با شناخت کامل و اقتدار تمام از مشکلات، گره‌گشایی گردد.

۴. جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۰۴.
۵. اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، حسین بستان، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۳ ش، ص ۱۵۸.
۶. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمدحسین طباطبائی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶.



روانشناسی به طبیعت زنان می‌گوید: «زن طوری آفریده شده است که باید وابسته به یک مرد باشد و فقط برای او طنازی و عشوه‌گری کند. به همین دلیل، اگر تکیه‌گاهش را نیابد و به تجمل و جلوه‌گری خود ادامه دهد، دوام نخواهد آورد و نابود می‌شود؛ چراکه زن همچون بوتۀ نیلوفری است که طالب چوب خشک یا دیوار صافی است تا آن را از گل و سبزه بپوشاند؛ اگر چنین چوب و دیواری را نیابد، خشک و نابود خواهد شد.»^۲

مدیریت پدر و خانواده کارآمد

یافته‌های علمی حکایت از آن دارد که بین ساختار قدرت پدرمحور در خانواده، با تمام مؤلفه‌های کارآمدی خانواده ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ یعنی هر اندازه ساختار قدرت خانواده به سمت پدرمحوری ارتقا یابد، دوام ازدواجها، رضایتمندی و خوش‌بینیها، نقشها و مرزها، مدیریتهای مالی صحیح، فرزندپروریها، واقع‌بینی و اعتمادها، مسئولیت‌پذیریها، جهت‌گیریهای مذهبی و صمیمیت و همدلی افزایش می‌یابد.^۳

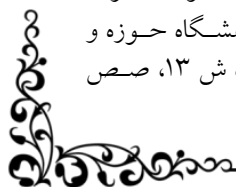
علاوه بر دو دلیل مزبور، علت سومی نیز برای ضرورت مدیریت یک فرد در مناسبات خانواده وجود دارد که عبارت است از «دوام و استحکام بنیان خانواده»؛ به این معنا که اگر مسئول و مدیر خانواده به طور مشخص معین نگردد، اختلاف و کشمکشهای روزمره موجب قهر، نارضایتی و جدایی زوجین می‌گردد؛ اما اعطای مدیریت خانواده به فردی معین و تمکین طرف مقابل، زمینه‌های اختلاف و تنازع را از بین می‌برد و با ایجاد انسجام و رضایت میان زوجین، دوام و استحکام بنیان خانواده را تضمین می‌کند. تأمل در پرونده‌های طلاق و اختلافات خانوادگی، شاهد خوبی برای اثبات این مدعاست.

شهید مطهری رحمته‌الله در تبیین خاستگاه نیاز به مدیریت در خانواده به نظریه «پیوند فطری» اشاره می‌کند و می‌نویسد: «نقش سرپرستی مرد در خانواده عامل مهمی برای استحکام خانواده است که با تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، به ویژه میل (فطری) مرد به تسلط بر جسم زن و میل (فطری) زن به تکیه بر مرد و حمایت شدن از سوی او انطباق دارد و در جهت ارضای نیازهای عاطفی متقابل عمل می‌کند.»^۱

نویسنده کتاب «روح زن» نیز با نگاه

۲. روح زن، جینا لمبروزو، برگردان پری حسام‌شه رئیس، نشر دانش، تهران، ۱۳۶۹ش، ص ۲۴.
۳. رابطه ساختار قدرت پدرمحور در خانواده اصلی فرد با کارآمدی خانواده، محمد زارعی توپخانه و همکاران، مطالعات اسلام و روانشناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ش، ش ۱۳، صص ۱۳۵-۱۵۰.

۱. یادداشت‌های استاد مطهری، مرتضی مطهری، نشر صدرا، تهران، ۱۳۸۲ش، ج ۵، ص ۱۵۱.





دلایل اثبات مدیریت پدر

با نگاه به آموزه‌های دینی در کنار تأملات عقلی، به این نتیجه می‌رسیم که جایگاه تصمیم‌گیری در خانواده از آن پدر می‌باشد. در نتیجه بیش‌تر تصمیم‌های مهم در زندگی خانوادگی باید به وسیله وی اتخاذ گردد. دلایل این ادعا به شرح ذیل است:

۱. آیات قرآن کریم:

از میان آیات، دو آیه را که به طور مستقیم به رابطه حقوقی زن و مرد پرداخته‌اند و دلیل محکمی برای اثبات مدیریت پدر در خانواده هستند، ذکر می‌کنیم:

الف) آیه قیومیت مرد بر زن: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِی الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا^۱؛ «مردان سرپرست زنانند، به سبب آنکه خداوند برخی را بر برخی دیگر (مردان را بر زنان در نیروی فکری و روانی و جسمی) برتری بخشیده (و از این رو

علت افزایش نمره این مؤلفه‌ها آن است که مدیریت و ولایت پدر در کانون خانواده، موجب پرورش فرزندان رشدیافته می‌گردد؛ چون «در خانواده‌ای که پدر نقش مادر و مادر نقش پدر را ایفا می‌کند، فرزندانی بیمار تربیت می‌شوند. مادری که سعی دارد اقتدار پدر را جبران کند، گاهی نه پدر و نه مادر است و نیز اگر پدری نقش یک مادر مهربان را به خود بگیرد؛ هم نقش مادری را تضعیف می‌کند و هم جایگاه پدری را در نظام روانشناختی فرزند متزلزل می‌سازد. بنابراین، چنین کودکانی؛ چه دختر و چه پسر، در نقش جنسی خود ضعیف عمل می‌کنند.»^۱

در خانواده‌هایی که پدر غایب است یا نقش ضعیفی دارد، پسرها احتمالاً با بزرگ‌ترین آسیب‌ها مواجه هستند؛ زیرا یا بیش از اندازه توسط مادر حمایت می‌شوند و یا این تصور برایشان پیش می‌آید که زن بر تمام امور و اجتماع مسلط است و مرد هیچ نیست.^۲ از این رو، به منظور پرورش صحیح فرزندان، تفکیک دو نقش اجرایی و احساسی - عاطفی (مرد در نقش رهبری اجرایی و زن در نقش رهبری عاطفی) جهت کارآمدی خانواده، ضرورت دارد.

۱. همان.

۲. آدم‌سازی، ویرجینیا ستیر، ترجمه بهروز بیرشک، نشر رشد، تهران، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۲۰





الحاکمُ علیها و مؤدِّبها.^۲

اکثر مفسران فریقین در معنا و دلالت آیه فوق معتقدند: این آیه شریفه اداره شئون زناشویی و تدبیر امور زن در چارچوب حقوق و تکالیف زناشویی را به مردان واگذار نموده است.^۳ این همان سرپرستی و ولایت مرد بر همسر و فرزندان در خانواده است.

لازم است بدانیم که خدای متعال در این آیه زنان را در قبال جایگاه بالاتر مردان در خانواده، به دو گروه مطیع و نافرمان تقسیم نموده و به مردان، شیوه و مراحل برخورد با همسر نافرمان را ارائه می‌دهد؛ یعنی موعظه، دوری نمودن و در نهایت تنبیه، نشان از جایگاه بالاتر مرد نسبت به همسرش دارد، در حالی که طبق آیه ۱۲۸ همین سوره، اگر شوهر نسبت به وظایف خود در قبال زن کوتاهی کند، زن اجازه ندارد که با شوهرش برخورد داشته و او را تنبیه نماید؛ بلکه این امر به عهده حاکم شرع است که نسبت به مرد جایگاه بالاتری دارد.

البته این مطالب، به معنای پایین بودن جایگاه زنان و سلب اختیار از آنان نیست. علامه طباطبائی رحمته الله ذیل آیه مورد نظر،

ولایت امر جامعه را در رتبه نبوت و امامت و ولایت انتصابی از جانب معصوم، از آن مردان قرار داده است) و نیز مردان سرپرست همسران خویش‌اند، به خاطر آنکه از اموالشان (برای زنان) خرج می‌کنند، پس زنان شایسته مطیع و فرمانبرند و به پاس آنکه خداوند (حقوق آنها را) نگهداشته، آنها هم (در غیاب شوهر حقوق و اسرار و اموال او را) نگه دارنده‌اند و زنانی که از نافرمانی آنها (نسبت به مسائل معاشرت) می‌ترسید (نخست) آنها را موعظه کنید و (بعد) در خوابگاه از آنها دوری نمایید و (اگر سود نبخشید، در محدوده دستور شرع) آنها را بزنید، پس اگر از شما اطاعت نمودند، دیگر بر (آزار) آنها راهی نجوید که همانا خداوند بلند مرتبه و بزرگ است.»

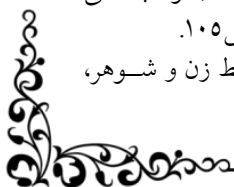
از مجموع سخنان مفسران و اهل لغت و با تدبر در معنای واژه «قوامون» چنین بر می‌آید که معنای قیومیت بر دیگری عبارت است از: «تکفل شئون او به همراه اشراف و تدبیر وی»^۱ که از آن به سرپرستی و مدیریت یاد می‌شود. همانطور که صاحب تفسیر «آلاء الرحمن» در معنای «قوام بودن مرد» آورده است: «رئیسها و کبرها و

۲. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، محمد جواد بلاغی

نجفی، بنیاد بعثت، قم، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۰۵.

۳. بررسی فقهی مدیریت در روابط زن و شوهر، ص ۲۲۲.

۱. بررسی فقهی مدیریت در روابط زن و شوهر، امیر رحمانی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۱ش، ص ۲۱۸.





تلویحاً نگرش بسیار منفی فمینیستها به «مدیریت پدر» را نقد می‌کند و یادآور می‌شود که: «معنای قیومیت مرد این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او و دفاع از منافعش سلب کند، پس زن هم استقلال و آزادی خود را دارد و هم می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند و هم می‌تواند از آن دفاع نماید و هم می‌تواند برای رسیدن به این هدفهایش و مقدمات آن متوسل شود.»^۱

ب) آیه درجه: خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۲؛ «و برای آنها بر عهده مردان (در سنت فطرت و حکم شریعت) حقوقی شایسته است (چون حق استمتاع و نفقه و حسن معاشرت و ارث) مانند حقوقی که (برای مردان) بر عهده آنهاست (مثل حق طلاق، استمتاع، حسن معاشرت، و انتخاب همسر دیگر، منع از سفر، ولایت بر اولاد، ارث و غیره) و مردان را (به شهادت اختلاف کم و کیف حقوق) بر آنها برتری است و خداوند مقتدر و حکیم مصلحت‌دان (در تکوین و تشریع) است.» بنا بر گزارش لغت‌شناسان از مفهوم و

معنای «درجه»، معلوم می‌شود که در آن تفوق و علو اخذ شده است^۳ و این برتری در درجه و رتبه حقوقی مرد بر زن را اثبات می‌کند، البته به عقیده اکثر مفسران، منظور از درجه در اینجا، وجوب اطاعت زنان از همسران خود و قوامیت مرد است، نه بیش‌تر از آن.^۴

ج) آیه «أَهْلِيكُمْ»: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾^۵؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی نگهدارید که هیزمش مردو و سنگها است.»

شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد مخاطب این آیه، مردان هستند و در نتیجه، بر اساس آیه فوق، مردان نسبت به زنان مسئولیت دارند و این مسئولیت از جایگاه بالاتر مردان در خانواده حکایت دارد.

شاهد نخست، واژه «أَهْلِيكُمْ» است که جمع کلمه «اهل» می‌باشد و منظور از آن، همسران و فرزندان یک مرد است. بنابراین، مخاطب آیه، مردان هستند. شاهد بعدی، سیاق آیات است. در آیات قبل، خدای متعال پس از تأدیب

۳. بررسی فقهی مدیریت در روابط زن و شوهر، ص ۲۳۲.
۴. همان، ص ۲۳۳.
۵. تحریم / ۶.

۱. ترجمه تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش، ج ۴، ص ۵۴۴.
۲. بقره / ۲۲۸.



همسران پیامبر ﷺ خطاب را متوجه عموم مؤمنان نموده و به آنان فرمان می‌دهد که به تعلیم و تربیت زنان خود بپردازند.

شاهد دیگر روایاتی است که ذیل این آیه مطرح گردیده و از مردانی گفته است که پس از نزول آیه مذکور، از سنگینی مسئولیت خانواده گریه کردند، یا نگران هدایت خانواده خود بوده و از کیفیت این وظیفه سؤال نمودند، در حالی که در هیچ یک از روایات، زنان چنین مسئولیتی را احساس نکرده و سخنی نگفته‌اند.^۱

۲. روایات:

بررسی روایات وارده از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نیز این مسئله را تأیید می‌کند که سلسله مراتب مدیریتی در خانواده لازم است و پدر باید دارای نوعی تسلط بر امور خانواده باشد و اطاعت زن از او حق وی شمرده شده است که این همان بازتاب قوامیت مرد در خانواده می‌باشد. به چند مورد از این روایات اشاره می‌کنیم:

الف) امام باقر علیهما السلام فرمود: «جَاءَتْ امْرَأَةً إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ؟ فَقَالَ لَهَا: أَنْ تُطِيعَهُ وَلَا تَعْصِيَهُ وَلَا تَصَدَّقَ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا

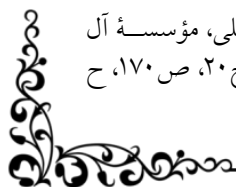
تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهَرِ قَتَبٍ وَلَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ»^۲ زنی نزد پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! حق شوهر بر زن چیست؟ حضرت فرمودند: اینکه از شوهر فرمان ببرد و از وی نافرمانی نکند و از خانه شوهر چیزی جز بی‌اجازه او صدقه ندهد و جز با اجازه شوهر روزه مستحبی نگیرد و از تمکین برای شوهر سرنیچد؛ گرچه بر پشت مرکب سوار باشد و از خانه شوهر جز با اجازه او بیرون نرود.»

این روایت از نظر سندی صحیح و موثق است و از نظر دلالت، اصل وجوب اطاعت زن از شوهر و لزوم عدم نافرمانی وی را اثبات می‌کند.

ب) امام صادق علیهما السلام فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ مَلَكَهُ نَاصِيَتَهَا وَجَعَلَهُ الْقِيمَ عَلَيْهَا»^۳ خداوند رحمت کند بنده‌ای را که رابطه‌اش با همسرش نیکو باشد؛ چراکه خداوند موی جلوی پیشانی آن زن را در اختیار این مرد گذاشته (کنایه از اینکه اختیار زن را در دست مرد قرار داده) و او را قیّم

۲. الکافی، محمدبن یعقوب کلینی، دارالکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۷، بَابُ حَقِّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ، ح ۱.

۳. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی، مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۷۰، ح ۲۵۳۴.



بر زن قرار داده است.»

این روایت نیز به اعتبار قوأمیت مرد تصریح نموده و ترغیب به نیکو رفتار کردن با زن و... کنایه از اقتدار مرد و سلطه و تفوق اوست.

ج) امام باقر علیه السلام فرمود: «خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَوْمَ النَّحْرِ إِلَى ظَهْرِ الْمَدِينَةِ - عَلَى جَمَلٍ عَارِيٍّ أَلْبَسَهُ فَمَرَّ بِالنِّسَاءِ فَوَقَفَ عَلَيْهِنَّ ثُمَّ قَالَ يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ وَأَطِئْنَ أَرْوَاجَكُنَّ فَإِنَّ أَكْثَرَ كُنَّ فِي النَّارِ! رسول خدا صلی الله علیه و آله روز عید قربان سوار بر شتری برهنه به بیرون از مدینه رفتند. در این بین به گروهی از زنان رسیدند. نزد آنان ایستادند، آنگاه فرمودند: ای جماعت زنان! صدقه بدهید و از شوهرانتان اطاعت کنید! چراکه بیش تر شما (در صورت نافرمانی) در آتش هستید!»

در این روایت، تکلیفی بر عهده زنان گذاشته شده که ترک آن موجب استحقاق عقوبت اخروی است و زبان روایت با جمله «أَطِئْنَ أَرْوَاجَكُنَّ» امر است که دلالت و ظهور در وجوب اطاعت زن از مرد دارد و چون به مورد خاصی مختص نشده، اطلاق دارد.

روایات فراوان دیگری نیز وجود دارد که صریح و یا ضمنی به ولایت و

سرپرستی مرد در خانه و خانواده دلالت دارند. از جمله روایات: «نهی از اطاعت زنان و مدیریت آنان»، «مسئولیت مردان در قبال همسر»، «اجازه زن از مرد در مواردی»، «بطلان نذر زن بدون اجازه شوهر»، «توصیف زنان خوب و بد»، «پاداش یا عقاب در قبال همسر»، «نهی زنان از نافرمانی مردان و دستور به اطاعت از شوهر» و... که هر یک از آنها به روشنی حکایت از آن دارد که نافرمانی از شوهر در کنار برخی از محرمات الهی، مخالفت با خواست خدا محسوب می شود و این، نشانگر ولایت و مدیریت پدران در خانواده است.

عوامل اقتدار و مدیریت پدر

پس از اثبات مدیریت و ولایت پدر در کانون خانواده از نگاه قرآن و روایات، سؤال مهم این است که: چه عواملی اقتدار و مدیریت وی در خانواده را اثبات می کند؟ و چرا فقط پدران باید مدیریت کانون خانواده را به دست بگیرند و چرا برای مادران از این موقعیت سهمی نیست؟ در پاسخ به این پرسشها نظریات متعددی ارائه شده است که هر کدام از منظری خاص به تبیین مسئله پرداخته اند.

۲. برای مطالعه روایات مذکور رک: مقاله دکتر عباس پسندیده و همکاران با عنوان: «الگوی سلسله مراتب قدرت در خانواده».

۱. همان، ص ۱۷۵، ح ۲۵۳۵۲.



برخی با نگاه زیست‌شناسانه، قدرت بدنی و تواناییهای جسمی پدران را منشأ سلطه و اقتدار آنها دانسته‌اند. برخی دیگر با پیروی از نظریات روان‌شناختی، مهارت‌های ذهنی و ویژگیهای مسئولیت‌پذیری را عامل اقتدار پدر در خانواده تلقی نموده‌اند و گروهی دیگر از دریچه نظریات جامعه‌شناسی، مسئولیت اقتصادی را علت اقتدار و مدیریت مردان می‌دانند.^۱

با تأمل در نوع احکام و توصیه‌های اسلام، درمی‌یابیم که عوامل زیستی، روانشناختی و جامعه‌شناختی یادشده مورد تأیید اسلام نیز می‌باشد. به عنوان نمونه، در قرآن کریم آمده است: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ».^۲

این مسئله در دنیای امروز بیش از هر زمان روشن است که اگر هیئتی (حتی یک هیئت دو نفری) مأمور انجام کاری شوند، حتماً باید یکی از آنها «رئیس» و دیگری معاون یا عضو باشد. در غیر این صورت، در کار آنها هرج و مرج پدید می‌آید. سرپرستی مرد در خانواده نیز از همین قبیل است؛ زیرا خصوصیتی در مردان موجود است که در زنان نیست. مانند: ترجیح قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه و

احساسات (به عکس زن که از نیروی سرشار عواطف بهره‌مند است) و داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر که با اولی بتواند بیندیشد و نقشه طرح کند و با دومی بتواند از حریم خانواده خود دفاع نماید.

علاوه بر این، تعهد مرد در برابر زن و فرزندان نسبت به پرداخت هزینه‌های زندگی و مهریه و تأمین زندگی آبرومندانه همسر و فرزندان، این حق را به او می‌دهد که وظیفه سرپرستی به عهده وی باشد. البته ممکن است زنانی در جهات فوق بر شوهران خود امتیاز داشته باشند؛ ولی قوانین نوع و کلی را در نظر می‌گیرد و شکی نیست که از نظر کلی، مردان نسبت به زنان برای این کار آمادگی بیشتری دارند؛ اگرچه زنان نیز وظایفی می‌توانند به عهده گیرند که هم مرد نمی‌تواند آنها را به آن سان که زنان انجام می‌دهند، بر عهده گیرد و هم اهمیت آن مورد تردید نیست.^۳

ناگفته پیداست که سپردن این وظیفه به مردان، نه دلیلی بر بالاتر بودن شخصیت انسانی آنهاست و نه سبب امتیاز آنها در جهان دیگر؛ زیرا این مهم تنها به تقوا و پرهیزگاری بستگی دارد، همانطور که شخصیت انسانی یک معاون از یک رئیس ممکن است در جنبه‌های مختلفی بیش‌تر

۱. اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، حسین بستان، صص

۱۵۰ - ۱۵۵.

۲. نساء / ۳۴.

۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات مدرسه

امام امیرالمومنین (علیه السلام)، ج ۳، ص ۳۷۰.



باشد؛ اما رئیس برای سرپرستی کاری که به او محول شده، از معاون خود شایسته‌تر است.^۱

بر این پایه از نگاه قرآن، تفاوت جسمی و روحی مرد و زن از یک سو و وجوب نفقه زن بر مرد از سوی دیگر، زمینه‌ساز اعطای حق مدیریت خانواده به مرد و وجوب اطاعت زن از مرد در اداره امور خانوادگی است؛ اما باید توجه داشت که بی‌تردید، ریاست مرد بر زن، مطلق نیست؛ بلکه محدود به مقررات شرعی و اخلاقی و مقید به شرایطی است، از جمله رعایت حقوق متقابل زن و وظایف مشترکی که هر یک از مرد و زن در تحکیم بنیاد خانواده بر عهده دارند.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ»^۲؛ «و برای زنان بر عهده مردان حقوقی شایسته است، مانند حقوقی که [برای مردان] بر عهده آنهاست و مردان بر آنها [از نظر ریاست خانوادگی] برتری دارند.»

گفتنی است که رعایت حق ریاست شوهر آنقدر اهمیت دارد که بر پایه شماری از روایات، یکی از عوامل بهشتی شدن زن شمرده شده است. مانند آنجا که پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا عَرَفَتِ الْمَرْأَةُ رَبَّهَا وَآمَنَتْ بِهِ وَبِرَسُولِهِ، وَعَرَفَتْ فَضْلَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهَا وَصَلَّتْ خَمْسًا وَصَامَتْ شَهْرَ رَمَضَانَ وَأَحْصَنَتْ فَرْجَهَا وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا دَخَلَتْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ»^۳؛ هرگاه زن، پروردگارش را بشناسد و به او و پیامبرش ایمان بیاورد و به برتری خاندان پیامبرش معتقد باشد و پنج نوبت نماز بخواند و ماه رمضان را روزه بگیرد و دامنش را [از گناهان] حفظ کند و از شوهرش فرمان ببرد، (در روز قیامت) از هر در بهشت که خواست، وارد آن می‌شود.

همچنین آن حضرت فرمود: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ امْرَأَةٍ أَطَاعَتْ وَأَدَّتْ حَقَّ زَوْجِهَا، وَتَذَكَّرُ حَسَنَهُ وَلَا تَخُونُهُ فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ، إِلَّا كَانَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ الشُّهَادَةِ دَرَجَةٌ وَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ، فَإِنْ كَانَ زَوْجُهَا مُؤْمِنًا حَسَنَ الْخُلُقِ فَهِيَ زَوْجَتُهُ فِي الْجَنَّةِ، وَإِلَّا زَوْجُهَا اللَّهُ مِنَ الشُّهَادَةِ»^۴؛ هیچ زنی نیست که فرمان شوهرش را اطاعت کند و حقوق او را به جا آورد و از خوبی‌های او یاد کند و

۳. الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارصعب و دارالتعارف، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۵۵۵، ح ۳؛ من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق (ابن بابویه)، تحقیق: علی اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ دوم، ج ۳، ص ۴۸۱، ح ۴۵۳۱.

۴. کنز العمال، علی بن حسام الدین متقی هندی، تصحیح: صفوه النساء، مکتبه الاسلامیه، بیروت، چاپ اول، ۱۳۹۷ق، ج ۱۶، ص ۳۳۸، ح ۴۸۰۴.

۱. همان، ص ۳۷۱.

۲. بقره / ۲۲۸.



ارزشهای انسانی و الهی یکسان‌اند.^۱ و فضیلت حقیقی بر معیار تقوا و عمل صالح است.^۲

نکته پایانی

برخی مردان جامعه امروزی بر اساس فساد اخلاق، ضعف علمی و دینی و نداشتن مهارت‌های زندگی، با تصمیم‌های خام و اقدامات نسنجیده، کانون خانواده را به پرتگاه تباهی و سقوط می‌کشانند. اینگونه افراد نباید مطالبی را که گفته شد، ابزاری برای زورگویی و اعمال سلطنت خویش تلقی کنند؛ بلکه لازمه ولایت و مدیریت پدران در خانواده این است که اعضا از گوهر ایمان، سلامت اخلاق و هنر زندگی و نیز از تواناییهای مدیر خانواده برخوردار گردند تا بتوانند خانواده را به رشد و کمال ایمانی و اخلاقی برسانند.

در خود و اموال شوهرش به او خیانت نکند، مگر آنکه در بهشت میان او و شهیدان تنها یک درجه فاصله باشد. پس اگر شوهرش مؤمن و خوش اخلاق بوده، در بهشت نیز همسر اوست؛ وگرنه خداوند مردی از شهیدان را به همسری او در می‌آورد.»

نتیجه کلام آنکه؛ خانواده، یک واحد کوچک اجتماعی است و اداره آن مانند یک اجتماع بزرگ، نیازمند مدیریت و رهبری واحد است؛ زیرا مدیریت جمعی‌ای که زن و مرد در آن مشترک باشند بی‌معناست و حتماً خانواده به هرج و مرج، عدم تفاهم و درگیری می‌انجامد. از این رو یکی از مرد یا زن باید مدیر و دیگری معاون و تحت نظارت او باشد. چون در خانواده هر دو جنس حضور دارند و تفاوت‌های جنسیتی در بروز اختلاف نظر میان زن و شوهر بسیار مؤثر است و انتظار حل همه اختلافات زناشویی از طریق گفتگوی برابر، انتظار غیرواقع‌بینانه‌ای است، از این جهت قرآن کریم و روایات در این جا تصریح می‌کنند که مدیریت خانواده با توجه به دلایلی که گذشت به عهده پدر خانواده می‌باشد و این مقام و برتری ظاهری تنها برای حفظ انسجام و کارآمدی خانواده است و فضیلت واقعی را برای مرد به بار نمی‌آورد چرا که زن و مرد از حیث

۱. آل عمران: ۱۹۵؛ «أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ...» نساء: ۱۲۴؛ «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا». نحل: ۹۷؛ «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».

۲. حجرات: ۱۳؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ».

